

اصل آزادی اراده و حمایت از مصرف کننده؛ تأملی بر شروط محدودیت و معافیت در حقوق مسئولیت تولید

حسین سیمایی صراف* جابر اسفندی سرافراز**

چکیده

امکان سنجی تغییر مسئولیت و کاهش یا حذف کلی آن، از موضوعات پرچالش مسئولیت مدنی است. کشاکش میان آزادی اراده متعاملین از یک سو و نابرابری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان از سوی دیگر، دو طیف موافق و مخالف شروط محدودکننده یا معاف‌کننده از مسئولیت را پدید آورده است. مخالفان هرگونه شرطی که به کاهش یا استثنای مسئولیت منجر شود را ناروا می‌دانند؛ اما موافقان با نظر به اصل آزادی اراده، توافق بر سر شروط استثناء را تجویز می‌نمایند. در عین حال، ضعف موقعیت مصرف‌کننده، بیم‌گسترش بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی تولیدکنندگان و -گاه- تأثیر نقض مسئولیت بر امنیت و سلامت شهروندان سبب شده است تا حکم به جواز مطلق شروط استثناء صادر نشده، محدودیت‌هایی برای اعمال شروط مزبور در نظر گرفته شود. در این نوشتار رویکردها و چالش‌های تغییر

simaee_s@yahoo.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی و کارشناس ارشد حل و فصل اختلافات

بین‌المللی از دانشگاه ژنو و مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی و توسعه (نویسنده‌ی مسئول)

jaber.esfandi@mids.ch

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۴

مسئولیت، دلایل توجیه کننده محدودسازی شروط استثنا و انواع محدودیت‌های اعمال شده بر شروط مزبور بحث و بررسی می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: شرط عدم مسئولیت، شرط محدودکننده‌ی مسئولیت، محدودیت مطلق، محدودیت نسبی.

۱. مقدمه

تغییر پذیری مسئولیت و تحدید یا معافیت از آن به وسیله‌ی قرارداد مورد اختلاف بسیار است. (جعفری طبار، ۱۳۷۵: ۱۵۱). شروط محدودکننده یا معاف‌کننده‌ی از مسئولیت^۱ شروطی هستند که یک طرف قرارداد به استناد آن‌ها خود را از تمام یا بخشی از مسئولیت مدنی می‌رهاند. این گونه شروط از تنوع فراوانی برخوردار بوده و ممکن است - به ویژه با توجه به محدودیت‌های کنونی قانون‌گذاران بر درج آن‌ها- به اشکال مختلفی تنظیم شوند.^۲ این گونه شروط را نباید با مواردی که شخص بعد از ورود خسارت در خصوص مسئولیت با زیان‌دیده قرارداد منعقد می‌کند یا مسئولیت خود را نزد دیگری بیمه می‌کند در هم آمیخت. همچنین، با توجه به مقررات خاص حاکم بر این دسته از شروط و نیز ضرورت تفسیر مضیق آن‌ها؛ باید میان آن‌ها و موارد مشابه نظیر «شرط تعیین میزان خسارت قابل مطالبه» قبل از وقوع حادثه، «شرط داوری» و «شروط مربوط به تعیین میزان و حدود تعهد طرفین» تفکیک قائل شد. (Treitel, 2003: 237). البته تفکیک مزبور همیشه آسان نبوده گاه مستلزم دقت و مهارت است. مثلاً اگر شرط داوری و نحوه‌ی انتخاب داور و آیین داوری پیش‌بینی شده در قرارداد، چنان باشد که عملاً حقوق زیان‌دیده را در صورت بروز حادثه و نقض قرارداد منتفی سازد باید آن را شرط محدودکننده‌ی مسئولیت تلقی کرد.

به هر روی شرط استثنا، همواره شیوه‌ای سنتی و آسان برای فرار از مسئولیت بوده است. وضع محدودیت‌های قانونی بر این شروط سبب کاربست تدلیس و ایجاد تغییرات ظاهری، برای گریختن از قواعد انصاف، عدالت و حمایت از طرف ضعیف گردیده است. در نوشتار حاضر درصددیم تا چالش‌های این دسته از شروط و موارد ممنوعیت آن‌ها را

اصل آزادی اراده و حمایت از مصرف کننده؛ تأملی بر شروط محدودیت... ۲۰۷

در حقوق مسئولیت تولید، در سایه‌ی قواعد حمایتی پیش‌بینی شده برای مصرف کننده بررسی کنیم.

در ابتدا، دلایل مخالفان و موافقان اعتبار شرط عدم یا محدود کننده‌ی مسئولیت، در حقوق مسئولیت مدنی - به طور کلی - و در حقوق مسئولیت تولید - به طور خاص - بررسی می‌شود. در ادامه، لزوم تحدید شروط مزبور بیان می‌شوند و در پایان انواع محدودیت‌ها - مطلق یا نسبی - و موارد هر یک تبیین خواهد شد.

در این مقاله، به ویژه در بخش بررسی قواعد درج شروط استثنای مسئولیت در حقوق مسئولیت تولید، قصد بررسی تفصیلی حقوق ایران را نداریم، چرا که اولاً جز مواد خاص مندرج در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو و آیین‌نامه آن و نیز قانون تجارت الکترونیکی که به جهت استثنایی بودن، باید در حدود نص تفسیر شود قواعد عام دیگری در این خصوص وجود ندارد. در ثانی، همین قواعد خاص نیز جزییات و شفافیت کامل را که لازمه‌ی پیش‌بینی قواعد در این شاخه از مسئولیت مدنی است ندارد. عدم وجود رویه‌ی قضایی و عدم دسترسی به آن، نحوه برخورد قضات با مسئله را نیز از دید مفسران و حقوق‌دانان خارج کرده است. لذا، تنها با اشاره به قواعد کلی در بخش بررسی امکان اعمال شروط که در حقیقت بر امکان تدوین قواعد از سوی قانون‌گذار تأکید دارد و اشاره‌ای مختصر به آن در بخش بررسی مسئله در حقوق مسئولیت تولید، از آن می‌گذریم. در بررسی تجربه‌ی کشورهای دیگر نیز به جهت در دسترس بودن آرا و عملی بودن قواعد، تمرکز بیشتر بر حقوق ایالات متحده و انگلستان به عنوان نمونه‌ای از اعمال قواعد در حوزه‌ی اتحادیه‌ی اروپا است. با این وجود، هر گاه قاعده‌ای مناسب در حقوق کشورهای دیگر مانند استرالیا و کانادا دیده شد که ذکر آن مفید به نظر رسید از اشاره به آن خودداری نشد.

۲. شرط عدم و محدود کننده، در حقوق مسئولیت به طور کلی؛ تعارض رویکردها

در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش شرط عدم یا محدود کننده‌ی مسئولیت، اختلاف نظر چشمگیری میان حقوق‌دانان وجود دارد. ریشه‌ی اختلاف در تراحم میان

اصل آزادی قراردادی از یکسو و رعایت منافع عمومی و عدالت و انصاف در روابط میان زیان‌دیده و مسئول حادثه از سوی دیگر نهفته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۷۳).

مخالفان پذیرش شرط^۳ به عنوان قاعده‌ی کلی می‌گویند که اولاً چنین شروطی خلاف قواعد آمره است (بند ۸ ماده ۵۴ قانون دریایی، ۱۳۴۳)؛ زیرا موجب کاهش میزان احتیاط و عدم وجود انگیزه‌ی کافی برای مسئول در جلوگیری از بروز حادثه‌ی زیان‌بار و افزایش میزان استانداردهای مراقبت در رفتار خواهد شد و نیز موجب می‌شود سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ با قدرت چانه‌زنی و آگاهی و تخصص بالا به آسانی از مسئولیت معاف گردند. ثانیاً بر اساس قواعد حقوق قراردادهای، تعهد باید مشخص و موضوع آن معلوم باشد در حالی که قبل از بروز حادثه، نوع و میزان خسارت وارده به زیان‌دیده مشخص نیست. در نتیجه، موضوع این‌گونه شروط مبهم است. ثالثاً بر اساس قواعد سنتی، اسقاط مال می‌باید صحیح باشد. نتیجه‌ی این شرط آن است که قبل از اینکه دین بر عهده‌ی مسئول قرار گیرد (قبل از وقوع حادثه) ذمه‌ی او بری شود. در نتیجه، دیده می‌شود که این شرط با قواعد فقهی نیز، هم‌خوانی ندارد. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

اما از سوی دیگر موافقان می‌کوشند تا ضمن پاسخ به استدلال‌های گروه اول، پذیرش شرط را -در حالت کلی- امری انکارناپذیر جلوه دهند؛ زیرا؛ اولاً قواعد مسئولیت مدنی همیشه از ویژگی نظم عمومی برخوردار نیست که بتوان در همه‌ی موارد آن‌ها را عدول‌ناپذیر دانست. این امر در جایی که تقصیر سبک و زیان وارده مالی است بسیار واضح است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۷۹-۵۸۰). همچنین، در بسیاری موارد، طرفین از قدرت چانه‌زنی و توان اقتصادی نسبتاً برابری برخوردارند. ثانیاً موضوع شرط کاملاً هم مبهم نبوده، به اجمال معلوم است. در چنین مواردی، در حقوق قراردادهای، علم اجمالی پذیرفته شده است. ثالثاً این شرط را نباید از مصادیق ابرای دینی که به وجود نیامده است بر شمرد. در واقع طرفین، با لحاظ احتمال وقوع حادثه‌ی زیان‌بار و قابلیت تعیین موضوع شرط در آینده، اقدام به درج شرط در قرارداد می‌کنند، لذا به جهت پدیدار شدن مقتضی شرط استثنا نمی‌توان امری عدمی تلقی کرد و درج شرط را از مصادیق قاعده‌ی مذکور دانست. موافقان در ادامه، استدلال می‌کنند که اصل آزادی قراردادی در بیشتر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. بنابراین اصل که ریشه‌ی آن احترام به اراده‌ها است باید تا

حد امکان، از تحدید آزادی در تنظیم عقود و مفاد آن‌ها خودداری کرد. اینکه شرط ممکن است به زیان یک طرف تمام شود نیز نمی‌تواند موجب عدم اعتبار آن شود. در واقع، هر طرف مسئول تشخیص نفع و ضرر خود است و در صورت ورود زیان در نتیجه‌ی پذیرش این شرط، شخص به زیان خود اقدام کرده است و مأخوذ به آن خواهد بود. عرف و بنای عقلا نیز با توجه به فواید شرط در پاره‌ای موارد، عدم پذیرش مطلق آن را نمی‌پذیرد (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۵). درج این‌گونه شروط در قراردادها به ویژه در جهان تجارت دارای فوایدی است که مضرات آن نباید ما را از آن‌ها غافل کند. پذیرش این قبیل شروط موجب می‌شود که افراد از بیمه‌ی بی‌رویه‌ی مسئولیت خویش و افزودن آن بر قیمت محصولات خودداری کنند. همچنین، معافیت از مسئولیت یا محدود کردن آن موجب تشویق به سرمایه‌گذاری بیش‌تر و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و به‌کارگیری فناوری نوین و در نتیجه، رونق بازار خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۷۷). امروزه، پیش‌بینی چنین شروطی در قراردادهای تجاری به عنوان وسیله‌ای برای توزیع خطرات و بر مبنای تحلیل هزینه و منافع انجام می‌پذیرد. (Kelleher, 1984: 153).

همچنان که موافقان پذیرش شرط در حالت کلی، گفته‌اند، انتقادات مخالفان نمی‌تواند عدم پذیرش این‌گونه شروط را در همه‌ی موارد توجیه کند. با وجود محدودیت‌های وارد بر اصل آزادی قراردادی، هنوز هم نقش آن در تعیین شرایط و حدود قراردادها و تنوع اعمال حقوقی در جهان تجارت را نمی‌توان نادیده گرفت؛ بنابراین، گریزی از پذیرش شرط به عنوان اصل نداریم؛ به این معنی که جز در موارد منصوص قانونی، باید حکم به جواز درج چنین شروطی داد.

رویه‌ی قانون‌گذاران کشورها نیز مؤید استنتاج بالاست. برای مثال، در ایالات متحده، اصولاً چنین شروطی را مجاز می‌دانند و موارد عدم جواز آن در قوانین خاص مانند قوانین حمایت از مصرف کننده یا قوانین حمل و نقل مقرر شده‌اند. در انگلیس نیز، به عنوان کشوری سنتی در نظام کامن‌لا، به رغم احترام به اصل آزادی قراردادی، درج چنین شروطی اصولاً مجاز است. از همین روست که قوانینی مانند قانون حمایت از مصرف کننده و قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه، موارد ممنوعیت این شروط را به دقت احصاء کرده‌اند. در کشورهای دیگر نیز وضعیت کم و بیش به همین منوال است به طوری که به

دشواری می‌توان نظامی حقوقی را یافت که اصل را بر عدم جواز این شروط گذاشته باشد. برای مثال، در کانادا و ایالت کبک، اصولاً شروط محدود یا معاف‌کننده‌ی مسئولیت جز در موارد تقصیر عمدی یا سنگین زیان زننده و مواردی که به زیان‌دیده صدمه‌ی جسمی یا اخلاقی و معنوی وارد گردد مجاز دانسته شده است. (Forlini and Martineau: 4). در کشور ما نیز با توجه به ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی و پاره‌ای اصول فقهی و حقوقی مانند اصل اباحه و اصل صحت باید همین نظر را مورد تأیید قرار داد. به علاوه، بسیاری از موارد مانند مشکل بالا رفتن هزینه‌ها، آزادی قراردادی به عنوان امری لازم برای انجام فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، در ایران نیز مطرح است و مجموع این عوامل و مستندات پذیرش شرط را به عنوان قاعده کلی غیرقابل اجتناب می‌کند. پس سکوت قوانین و مقررات مسئولیت مدنی در خصوص موضوع را باید به جهت وجود عموماً حقوقی و فقهی و نیز به رسمیت شناختن اراده‌ی زیان زننده و زیان‌دیده در حقوق عام مسئولیت مدنی به معنای عدم رد کلی این شروط تلقی کرد.

۳. شرط عدم و محدودکننده، در حقوق مسئولیت تولید به طور خاص؛ تعارض

مبانی

گرچه عواملی مانند نوع محصول، رابطه‌ی میان خواهان و خواننده و اینکه خواهان کیست و چه نوع خساراتی به او وارد آمده است تأثیر به‌سزایی در تلقی از شروط عدم و محدودکننده دارند، بیش از همه مبانی و رویکردهای مسئولیت در این امر نقش دارند. (Dechaine, 1967: 1). از آنجا که به طور کلی، سه تئوری کلی در حقوق مسئولیت تولید قابلیت اعمال دارد و در صورت اعمال هر یک، شروط استثنای مسئولیت وضعیت خاصی می‌یابند در زیر، به تفکیک، امکان و قلمروی اعمال این شروط را در صورت اجرای هر یک از این تئوری‌های اصلی مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۳.۱. تئوری مسئولیت محض^۴؛ ممنوعیت شرط محدودکننده

ادعای عدالت معاوضی میان تولیدکنندگان - که اغلب در قالب شرکت‌های سازمان

یافته فعالیت کرده و از تجربه و مشاوره‌ی متخصصان بهره‌مندند- و مصرف‌کنندگان - که معمولاً به طور انفرادی و با اطلاعات و تخصص ناچیز وارد قرارداد می‌شوند- دعوایی گزاف و بیهوده است. از همین رو قانون‌گذاران اقدام به وضع قواعد حمایتی برای گروه اخیر کرده‌اند که پیش‌بینی نظام مسئولیت محض از جمله‌ی مهم‌ترین آن‌ها است. بر اساس این رویکرد، هرگونه شرط، توافق یا قراردادی که منجر به کاهش یا از بین رفتن حقوق حمایتی پیش‌بینی شده به زیان مصرف کننده شود باطل و بلااثر است. به عنوان نمونه می‌توان به سند سوم مسئولیت مدنی راجع به مسئولیت تولید (Restatement Third of Tort on Product Liability, 2007) که در برگیرنده‌ی قواعد نوینی در حقوق مسئولیت تولید در کشور ایالات متحده است اشاره نمود که در بخش ۱۸ خود، هرگونه قرارداد، توافق یا شرطی را که در مقابل فروشنده یا دیگر توزیع‌کنندگان خواه به شکل کتبی و خواه شفاهی مقرر شود و منجر به کاهش یا استثنای مسئولیت آن‌ها و یا منع یا محدودیت طرح دعوی برای آن‌ها شود بی‌اثر می‌داند. همچنین دستورالعمل اتحادیه‌ی اروپا راجع به مسئولیت ناشی از کالاهای معیوب (EU Directive on Liability For Defective Products, 1999) نیز در ماده‌ی ۱۲ این‌گونه بیان می‌دارد که: «مسئولیت مقرر شده برای سازنده در این دستورالعمل، در رابطه‌ی سازنده در مقابل زیان‌دیده، نمی‌تواند با هیچ شرط مستثنی یا محدودکننده‌ی مسئولیت، کاهش یافته یا از بین برود». در کشور انگلستان و در قانون حمایت از مصرف کننده که به منظور لازم الاجرا کردن دستورالعمل اتحادیه‌ی اروپا تصویب شده است مقررات مشابهی وضع گردیده است (Consumer Protection Act, 1987, Sec. 7). در فرانسه نیز در الحاقیه‌ای که - به منظوری مشابه و در راستای حمایت از مصرف کننده- به قانون مدنی این کشور اضافه شده است در ماده ۱۵-۱۳۸۶، چنین آمده است: «شروط رافع یا محدودکننده‌ی مسئولیت ناشی از فرآورده‌های معیوب، ممنوع و کأن لم یکن است. با وجود این، شروط مقرر میان اشخاص حرفه‌ای راجع به خسارات وارده به اموالی که اصولاً زیان‌دیده برای استفاده و مصرف شخصی‌اش به کار نمی‌برد معتبر است» (Code Civile, 1998, Article 1386-15).

به ظاهر میان این ماده که عدم پذیرش شروط محدود یا مستثنی کننده‌ی مسئولیت را به کالاهایی که برای مصارف شخصی است محدود نموده با ماده ۷ دستورالعمل

اتحادیه‌ی اروپا که علی‌الاطلاق همه شروط استثنا را باطل می‌داند تعارض وجود دارد؛ اما توجه به سایر مواد دستورالعمل و اینکه حدود اعمال ماده‌ی ۷ تنها در خصوص مصرف‌کنندگان نهایی و محدود به محصولات دارای مصارف شخصی و نه تجاری است، این تعارض را رفع می‌کند.

در استرالیا نیز در قانون رویه‌های تجاری که حاوی قواعد حمایت از مصرف‌کننده است همین قاعده با الفاظی مشابه تدوین گردیده است (Trade Practices Act, 1974, (Sec. 150-1)^۵

علاوه بر قوانین، رویه‌ی قضایی کشورها نیز مؤید رویکرد بالاست. به عنوان مثال می‌توان به پرونده‌ی «گرین-من» اشاره کرد (Greenman v. Yuba Power Products, Inc., 27 Cal. Rptr. 697, 377 P.2d 897 (1962)) که در آن قاضی با این اعتقاد که هدف از تحمیل مسئولیت محض، جلوگیری سازنده از تحدید قلمروی مسئولیت است، حکم به عدم امکان محدود یا مستثنا کردن مسئولیت ناشی از تولید صادر نموده است. چنان‌که در بند قبل گفته شد دلیل عدم پذیرش شرط محدودیت یا معافیت از مسئولیت ضعف موقعیت مصرف‌کنندگان نهایی و ناتوانی آن‌ها در حمایت از منافع واقعی خویش است. حال در کشورهایی که اصناف حمایت از مصرف‌کننده به خوبی توسعه یافته، مذاکره و توافق با تولیدکنندگان امکان‌پذیر بوده و مصرف‌کنندگان از اطلاعات امکانات و تخصص کافی برخوردارند؛ باید گفت که استدلال بالا مبنای خود را از دست می‌دهد. از همین رو در ایالات متحده که اصناف حمایت از مصرف‌کننده، به خوبی سازمان‌دهی شده است گفته‌اند که در مواردی که مصرف‌کنندگان با نمایندگی گروه‌های خبره و دارای قدرت چانه‌زنی بالا پشتیبانی می‌شوند، باید توافقات میان تولیدکننده و مصرف‌کننده را به رسمیت شناخت (Stenson, 1998: 104). طبیعتاً این امر بر دخالت قضات که معمولاً تخصص و فرصت کافی برای بررسی منافع مصرف‌کنندگان و شناخت مسائل اقتصادی را ندارند ترجیح دارد. بدیهی است که هر گاه رسیدن جامعه‌ای به این درجه از توازن امکان‌پذیر باشد از بسیاری از زیان‌های اقتصادی دخالت دادگستری و دولت در امور پرهیز خواهد شد؛ اما باید اذعان کرد این سطح از پیشرفت، غایت مطلوبی است که حتی در کشورهای پیشرفته نیز بدان دسترسی پیدا نشده است.

۳.۲. تئوری تقصیر و نقض شرط تضمینی؛ محدودیت شرط محدود کننده

به دلیل آثار سوء اعمال بی‌رویه‌ی نظام مسئولیت محض در بالا رفتن قیمت‌ها و کاهش انگیزه‌ی تولیدکنندگان در گسترش فعالیت‌ها و استفاده از فناوری جدید، در اکثر قوانین حمایت از مصرف کننده، سایر مبانی مسئولیت نظیر تئوری تقصیر و نقض شرط تضمینی مورد لحاظ قرار گرفته است.^۶

با توجه به اینکه مبنای استناد به نظریه‌ی نقض شرط تضمینی اصولاً قراردادی است نتیجتاً باید بر طبق اصل آزادی قراردادی، به طرفین اجازه داد که هر شرط و از جمله شرط معافیت از مسئولیت را بتوانند آزادانه در قرارداد خود بگنجانند. این نتیجه که با قواعد سنتی حقوق قراردادها هم‌خوانی کامل دارد در دنیای کنونی قابل پذیرش نیست، چه همان‌گونه که گفته شد سازنده اغلب در موقعیتی برتر از مصرف کننده قرار داشته و قادر است هر شرطی که بهتر منافعش را تأمین کند به طرف دیگر تحمیل نماید، در حالی که طرف اخیر هیچ نقش فعالی در تنظیم قرارداد نداشته و تنها به قالب از پیش طراحی شده ملحق می‌شود. علاوه بر این، فروشنده - غالباً - این شروط را طوری تنظیم می‌کند که خریدار متوجه اهمیت آن نشود (با اندازه‌ی کوچک، عبارات مبهم و شروط غیرقابل فهم برای عموم و معمولاً پشت قرارداد).^۷ این عوامل در کنار توجه دولت به اجرای عدالت توزیعی موجب شده است که در بسیاری از کشورها در وهله نخست دادگاه‌ها و سپس قوانین، محدودیت‌هایی را برای سازندگان و فروشندگان در درج شرط عدم یا محدودکننده‌ی مسئولیت پیش‌بینی کنند، به طوری که امروزه به دشواری می‌توان سخن از آزادی تولیدکننده در درج این‌گونه شروط به میان آورد. در مواقعی نیز که مبنای دعوا تقصیر است به رغمی که بر اساس قواعد عام، نباید ایرادی بر توافق تولیدکننده و مصرف کننده بر درج شروط محدود کننده باشد از آنجا که شروط مزبور با سلامت و امنیت شهروندان در تعارض بوده و بیم گسترش بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و نادیده گرفتن استانداردهای مراقبت و سلامت محصولات وجود دارد، محدودیت‌های زیادی بر درج این‌گونه شروط پیش‌بینی شده است.

۴. تعیین شروط محدودکننده و معاف‌کننده از مسئولیت؛ علل و انواع

۴.۱. علل تعیین^۸

پیش‌بینی شرط عدم یا محدودکننده‌ی مسئولیت، ترفند رایج تولیدکنندگان و فروشندگان برای دور زدن قواعد و استانداردهای تولید و فرار از مسئولیت بود. دولت‌ها هم گام با سایر تحولات در حقوق مسئولیت تولید، محدودیت‌هایی را بر این شروط وارد آوردند، چرا که - دیدیم که - در این قبیل قراردادها، اغلب در یک طرف مصرف‌کننده قرار دارد که معمولاً برای رفع نیاز شخصی و به طور انفرادی اقدام به خرید می‌کند و تجربه و امکانات کافی برای بررسی محصولات و پیش‌بینی عیوب محتمل آن‌ها را ندارد و از قدرت چانه‌زنی کافی نیز برای حذف شروط مزبور برخوردار نیست و در طرف دیگر سازنده و فروشنده قرار دارد که اغلب به طور گروهی و در قالب شرکت‌های بزرگ و در مقیاس گسترده فعالیت می‌کند، تجربه و مهارت کافی برای شناخت منافع خود و درج شروطی که منافع او را - به بهترین شکل - تأمین کند را دارا است و به آسانی می‌تواند اراده‌ی خود را بر مصرف‌کننده تحمیل نماید. این وضعیت، در کنار توجه دولت به عدالت توزیعی و حفظ سلامت و امنیت شهروندان، موجب شده است که قانون‌گذاران صلاح را در تعیین آزادی طرفین در درج شروط مزبور ببینند.

۴.۲. انواع تعیین

پیش‌گامی در مقابله با شروط استثنای مسئولیت به ویژه در کشورهای تابع نظام کامان‌لا، از آن رویه‌ی قضایی است. قضات در عین حال که اصل آزادی قراردادی و متعارف بودن این قبیل شروط را به رسمیت می‌شناسند سعی در محدود کردن اتکای به این شروط دارند (Stone, 2002: 220). با وجود تفاوت در مبنا و پاره‌ای مصادیق، ریشه‌ی قواعد قانونی پیش‌بینی شده برای محدود کردن شروط معافیت و محدودیت مسئولیت را باید در همان قواعد به کار رفته در رویه‌ی قضایی جستجو کرد.^۹

محدودیت‌های درج چنین شروطی، در پاره‌ای موارد مطلق است. بدین معنی که فروشندگان نمی‌توانند آن‌ها را در قرارداد خود بگنجانند و در صورت درج، هیچ اثری بر

اصل آزادی اراده و حمایت از مصرف کننده؛ تأملی بر شروط محدودیت... ۲۱۵

آن مترتب نیست؛ و در پاره‌ای موارد محدود است. به این معنی که امکان پیش‌بینی شرط استثنای مسئولیت وجود دارد اما فروشنده باید آن را به طور خاص و مجاز تنظیم کند. این دو مورد را به ترتیب در این بند بررسی می‌کنیم.

۴.۲.۱. موارد محدودیت مطلق: لازم به یادآوری است که در همه‌ی سیستم‌ها - از جمله انگلیس و آمریکا - اصل اولی بر آزادی طرفین در تعیین میزان مسئولیت و حذف یا محدود کردن مسئولیت است. در حقوق انگلیس، به موجب قانون فروش کالاها (Sale of Goods Act, 1979, Sec. 55-1)، طرفین اصولاً می‌توانند تعهدات خود را به طور صریح یا به موجب رویه‌ی معاملاتی میان خود مستثنا کنند یا تغییر دهند. در ایالات متحده نیز، به موجب قانون متحدالشکل تجاری (UCC, 2011: Sec. 2-719)، طرفین اصولاً آزادند که تعهدات قراردادی یا موارد مندرج در این قانون را به میل خود تغییر دهند یا تصمیم بر عدم اجرای آن بگیرند. در حقوق ایران نیز با توجه به اصل آزادی قراردادهای ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی می‌توان به نتیجه‌ی مشابه دست یافت. علی‌رغم اصل فوق استثنائات چندی - به ویژه در قرارداد با مصرف‌کنندگان - وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **صدمات بدنی و فوت:** در صورت ورود صدمات جسمانی و فوت ناشی از عیب کالا به دلیل ارتباط موضوع با سلامت و امنیت شهروندان، هیچ‌گونه شرط عدم یا محدودکننده‌ی مسئولیت قابل پذیرش نیست. در این قبیل موارد دعواً بر مبنای مسئولیت قراردادی و نقض شرط تضمینی پذیرفتنی نیست. دادگاه‌های آمریکا بدون توجه به قرارداد فی‌مابین به این دعاوی رسیدگی می‌کنند. حتی پاره‌ای ایالات، میان دعاوی ورود صدمه‌ی بدنی مبتنی بر این نظریه یا نظریه‌ی مسئولیت محض تفاوتی قائل نیستند و این‌گونه دعاوی را بدون توجه به نظریه‌ی ادعایی، قابل رسیدگی می‌دانند. این قاعده در ایالات متحده به موجب قانون متحدالشکل تجاری (UCC, 2011: Sec. 2-719-3) پیش‌بینی شده است. بر اساس این قانون، چنین فرض می‌شود که شرط عدم مسئولیت در خصوص خسارات به شخص، ناشی از عیب موجود در کالای مصرفی غیرمعارف است

و در نتیجه، چنین شرطی معتبر نخواهد بود. اکثریت قریب به اتفاق ایالات، موضوع غیرمتعارف بودن چنین شروط و در نتیجه بی‌اثر بودن آن را پذیرفته‌اند. در انگلستان نیز به موجب بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه^۱: «هیچ‌کس نمی‌تواند به موجب قرارداد یا با اخطار به اشخاص به طور عام یا شخص خاص، مسئولیت خود در مورد فوت و صدمات بدنی ناشی از بی‌احتیاطی را محدود یا مستثنا کند».

۲. **مسئولیت ناشی از نقض تعهدات قراردادی:** هر گاه در رابطه‌ی قراردادی میان مصرف‌کننده، و سازنده یا فروشنده طرف اخیر از انجام قرارداد شانه خالی کند قسمت الف بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه انگلستان مقرر می‌دارد که: در قرارداد میان تاجر و مصرف‌کننده، تاجر نمی‌تواند در صورت نقض قرارداد، مسئولیت خود را محدود یا مستثنا کند. دلیل این محدودیت آن است که با پذیرش شرط استثنا - در واقع - مسئولیت ناشی از نقض تعهد مسئول، از بین می‌رود و در نتیجه تعهدات پذیرفته شده بیهوده و قرارداد فریبنده خواهد شد. همچنین به موجب بند ۲ ماده‌ی ۶ و بند ۲ ماده‌ی ۷ همین قانون در قرارداد با مصرف‌کننده نمی‌توان به موجب شرط قراردادی، مسئولیت ناشی از عدم مطابقت کالا با نمونه، وصف، یا کیفیت و مناسب بودن برای مصرف خاص را محدود یا مستثنا کرد. در ایالات متحده نیز به موجب قسمت الف بخش ۲۳۰۸ قانون مگنسن ماس وارانتهی (Magnuson Moss Warranty Act, Sec. 2308) ((a)) در صورت پیش‌بینی شرط تضمینی کتبی در قرارداد، نمی‌توان شروط تضمینی ضمنی را محدود یا مستثنا کرد. نظر به اینکه قانون مزبور ناظر بر قرارداد با مصرف‌کننده است و از آنجا که منظور از شروط تضمینی ضمنی شروطی مانند شرط قابلیت معاملی کالا یا شرط مناسب بودن کالا برای منظور خاص است باید نتیجه گرفت به موجب این قانون نیز فروشنده یا سازنده نمی‌تواند از تعهدات ضمنی قراردادی خود با پیش‌بینی شرط عدم یا محدودیت مسئولیت بگریزد.

ریشه‌ی این قواعد محدود کننده را باید در نظریه‌ی نقض شرط اساسی یا تعهد اصلی جستجو کرد که ابتدا، در رویه‌ی قضایی کشورهای تابع نظام کامان‌لا، به ویژه انگلیس، به کار گرفته شد. در توضیح این نظریه باید گفت در کنار شروط اصلی،^{۱۱} فرعی^{۱۲} و واسطه^{۱۳} که از حیث شیوه‌های جبران پیش روی زیان‌دیده یا متعهد له یا یکدیگر تفاوت دارند، نوع دیگری از شروط موسوم به شروط اصلی یا اساسی^{۱۴} نیز وجود دارند که هدف و موضوع اصلی قرارداد را نشان می‌دهند. به طوری که نقض آن‌ها نه فقط اجرا را مخدوش می‌کند؛ بلکه قرارداد را به طور ماهوی، متفاوت از آن چیزی می‌کند که بر آن تعهد شده است. برای مثال، اگر کسی که تعهد به فروش نخود فرنگی کرده است به جای آن، باقلا تحویل دهد مرتکب نقض چنین شرطی شده است (Chanter v Hopkins, 1838). بر اساس نظریه‌ی نقض شرط اساسی یا تعهد اصلی، در موارد وقوع چنین نقضی، شرط استثنای مسئولیت قابل اعمال نیست. (Treitel, 2003: 227). دادگاه‌ها به تدریج این نظریه را گسترش داده و از آن برای بررسی متعارف و منصفانه بودن شرط بهره برده‌اند. در همین زمینه می‌توان به پرونده‌ای اشاره نمود (Harbutt's Plasticine Ltd v Wayne Tank and Pump Co Ltd., 1970) که در آن به دلیل نامتناسب بودن لوله‌های عرضه شده به خواهان، کارخانه‌ی وی دچار حریق گشته بود. در این پرونده دادگاه با توجه به همین نظریه، به خواننده اجازه‌ی اتکا به شرط معافیت از مسئولیت را نداد. با توجه به رویه‌ی قضایی و پرونده‌های مطرح در دادگاه‌های کشورهای مورد بحث، می‌توان موارد زیر را از جمله‌ی شروط ضمنی کالا دانست که در قرارداد با مصرف کننده نمی‌توان نسبت به آن‌ها شرط عدم یا محدودیت مسئولیت پیش‌بینی کرد:

- تناسب کالا با تمام هدف‌هایی که از خرید آن کالا به طور متعارف انتظار می‌رود.
- سالم بودن به طوری که مصرف کننده بتواند از آن استفاده متعارف را بنماید. ماندگاری و قابلیت دوام.^{۱۵} (UCC, 2011: Section 2-316 and unfair contract terms act, Section 7-2.)

۳. مسئولیت ناشی از معیوب بودن کالاهای دارای مصرف شخصی: پاره‌ای از

کالاها مانند مواد خوراکی یا مواد شوینده اصولاً برای مصرف اشخاص ساخته شده و در صورت معیوب بودن، مستقیماً سلامت شهروندان را به مخاطره می‌اندازد. در خصوص چنین کالاهایی نیز شرط عدم یا محدودیت مسئولیت پذیرفته نمی‌شود. بند ۱ ماده‌ی ۵ قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه انگلستان در این مورد مقرر می‌کند که: «در خصوص کالاهایی که به طور کلی جهت استفاده‌ی شخصی تهیه می‌شوند چنانچه خسارت یا؛ اولاً ناشی از کالایی باشد که ثابت شود موقع استفاده‌ی مصرف کننده، معیوب بوده است؛ و ثانیاً عیب آن ناشی از بی‌احتیاطی شخصی باشد که در ساخت یا توزیع کالا مداخله داشته است، مسئولیت با قرارداد یا اخطار تضمین کالا، مستثنا یا محدود نمی‌شود».

۴.۲.۲. موارد محدودیت نسبی: گاه محاکم و قانون‌گذاران در صدد برآمده‌اند تا موارد استناد تولیدکنندگان و فروشندگان به شروط عدم و محدود کننده‌ی مسئولیت را محدود کرده و کاهش دهند. در این قسمت، به بعضی از این تزییقات اشاره می‌کنیم:

الف. متعارف بودن (شرط ماهوی): از آنجا که شروط عدم یا محدود کننده‌ی مسئولیت ممکن است ضرر یا خطر زیادی برای مصرف کننده به دنبال داشته باشد در حالی که او به دلایلی مانند مخفی کردن اهمیت شروط از جانب فروشنده یا عدم اطلاع وی از ماهیت و میزان خطر ناشی از شروط مزبور ممکن است به آن‌ها اهمیت ندهد، در برخی از نظام‌های حقوقی، پذیرش شروط مزبور منوط به برخورداری از ویژگی متعارف بودن است. در انگلستان و بر اساس قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه (Unfair Contract Terms Act, Sections 2 (2), 6 (3) and 7 (3))، اولاً در موارد ورود صدمات غیر از فوت و صدمات جسمانی ناشی از بی‌احتیاطی، پذیرش شرط عدم یا محدودیت مسئولیت تابع شرط متعارف بودن است. ثانیاً در موارد عدم تطابق کالا با نمونه، وصف یا مناسب بودن برای منظور خاص، در قرارداد میان اشخاص درگیر در تجارت، پذیرش شرط تابع شرط متعارف بودن است. همچنین، در قرارداد میان تجار و مؤسسات تجاری، استثنای شروط تضمینی ضمنی قابلیت معاملی، تابع شرط متعارف بودن است. در ایالات متحده نیز بر اساس قسمت سوم بخش ۲-۷۱۹ قانون متحدالشکل تجاری خسارات غیرمستقیم^{۱۶}

ناشی از نقض شرط تضمینی می‌تواند مستثنا یا محدود شود مگر آنکه استثنا یا محدودیت مسئولیت در خصوص آن غیرمتعارف باشد. البته در ادامه، این قانون اشعار می‌دارد که در خصوص خسارات تجاری اصولاً فرض بر متعارف بودن شرط عدم یا محدودیت مسئولیت است؛ بنابراین، این بخش که در بسیاری از ایالات مورد پذیرش قرار گرفته است قاعده‌ای را ایجاد کرده است که بر اساس آن، فقط وقتی که شرط عدم یا محدودکننده‌ی مسئولیت در خصوص خسارت غیرمستقیم، متعارف باشد قابل پذیرش است. همچنین، این قانون به دادگاه اجازه می‌دهد که شرط یا قرارداد غیر متعارف را بی‌اثر تلقی نماید و یا حکم به لازم الاجرا بودن قرارداد، منهای شروط یا بخش‌های غیر متعارف آن دهد (UCC, 2011: Sec. 2-302).

با توجه به قاعده‌ی فوق، نظر به اهمیت این شروط و تحمیل خطر فوق‌العاده به متضرر احتمالی از شرط و برای لزوم حمایت بیش‌تر از مصرف‌کنندگان، بار اثبات متعارف بودن شروط را اصولاً بر دوش کسی می‌دانند که اتکای بر آن را در خواست می‌کند. در واقع، اصل بر عدم وجود این شرط و همچنین، اصل بر عدم امکان اتکای به آن است. قانون ضابطه‌ی خاصی را برای تشخیص متعارف بودن تعیین نکرده و تشخیص آن را بر عهده‌ی قضات گذاشته است (Unfair Contract Terms Act, 1977: Sec. 11). این امر با توجه به موضوعی بودن مسئله و بستگی کامل آن به اوضاع و احوال خاص هر مورد و نیز با عنایت به پویایی رویه‌ی قضایی در این کشورها معقول به نظر می‌رسد. البته اعمال چنین ضابطه‌ی گسترده و باز گذاشتن دست قاضی مشکلاتی را نیز ایجاد می‌کند. این امر موجب بروز مشکلاتی در طراحی قرارداد می‌شود. در واقع، برای طرفین دشوار است پیش‌بینی کنند چه شروطی در قلمروی ممنوعیت قرار می‌گیرد (Stone, 2002: 241). قضات معمولاً در تشخیص این امر به عوامل مختلفی توجه می‌کنند از جمله اینکه: - آیا شرط منطبق با انتظارات و خواست‌های واقعی طرفین در زمان انعقاد قرارداد

بوده است؟

- آیا منصفانه است که به خواننده اجازه‌ی اتکای به آن را داد؟

- وضعیت معاملاتی و قدرت چانه‌زنی طرف و اینکه آیا شخص در پذیرش شرط

واقعاً اختیار داشته است

- آیا طرفی که شرط به زیان او تنظیم شده است عوضی در مقابل پذیرش آن دریافت کرده است؟

- آیا خواهان از موجودیت و ماهیت شرط آگاه بوده یا اینکه به طور متعارف می‌باید آگاه می‌بوده است؟

- آیا کالا مطابق دستور خاص مشتری ساخت، فرآوری و تحویل داده شده است؟ در واقع، قاضی به این امر توجه می‌کند که آیا طرفین واقعاً و با درک اهمیت و میزان خطر این شروط، خواسته‌اند آن را در رابطه‌ی خود اعمال کنند یا خیر.

(برای مثال رک: Regus (UK) Ltd v Epcot Solutions Ltd [2008] EWCA)

(Civ 361 and Smith v Eric Bush [1989] 2 All ER 514).

ب. صراحت و شفافیت (شرط شکلی): در گذشته، فروشندگان و تولیدکنندگان در قراردادهای خود با به کار بردن کلمات مبهم و غیر صریح یا با درج شروط مهم با خط ریز و در گوشه یا پشت برگ قرارداد، تلاش می‌کردند با ایجاد ابهام و کاهش توجه مصرف‌کنندگان به شروط مهم، از آن به نفع خود استفاده کنند. امروزه، قضات و قانون‌گذاران تلاش کرده‌اند تا مانع این سوءاستفاده بشوند. در ابتدا، برای مهار اتکا به چنین شروط مبهمی قاعده‌ای در رویه‌ی قضایی کشورهای کامن‌لا مورد استفاده قرار گرفت^{۱۷} که بر اساس آن، دادگاه ابهام را علیه ایجاد‌کننده‌ی شرط تفسیر می‌کرد. بر این اساس، هر جا ابهامی وجود داشته باشد سعی در محدود کردن امکان اتکا به شرط می‌شود (Garner, ۲۰۰۴: ۹۹۵). بعدها، قانون‌گذاران نیز بر لزوم تنظیم شفاف این‌گونه شروط برای امکان اتکای به آن‌ها تأکید ورزیدند. در انگلستان، قانون شروط قراردادی غیرمنصفانه در این خصوص قواعدی را مقرر کرده است. در ایالات متحده نیز دادگاه‌ها و قوانین ایالات، دارای قواعدی در این خصوص هستند. بر طبق این قواعد، شرط عدم مسئولیت کتبی باید واضح باشد (با قلم بزرگ، برجسته و مشخص)، به طوری که هر انسان متعارفی بتواند به آن توجه کافی بنماید. به طور کلی، نیاز به به‌کارگیری واژه یا عبارت خاص نیست بلکه هر اظهاری که نشان دهنده‌ی اراده‌ی واقعی خریدار بر پذیرش شرط باشد قابل قبول است (Utah Code, Section 70A-2-316(2)).

در همین راستا می‌توان به پرونده‌ای (Thornton v Shoe Lane Parking) اشاره نمود که در آن خواهان ماشین خود را در پارکینگ متعلق به خواننده قرار داده و یک برگ رسید از دستگاه اتوماتیک پارکینگ دریافت نموده بود که اشعار می‌داشت این رسید مطابق شروط موجود و منصوب در داخل پارکینگ صادر شده است. شروط منصوب در داخل پارکینگ با قلم کوچک نوشته شده بود و به موجب یکی از آن‌ها، خواننده از مسئولیت خسارت به خودرو و صدمه به مشتریان معاف شده بود. در این پرونده ماشین خواهان صدمه دید که بخشی از آن نتیجه‌ی تقصیر خواننده بود. در پی آن، وی برای مطالبه‌ی خسارات وارده در نتیجه‌ی تقصیر خواننده، دعوایی اقامه نمود. دادگاه در رسیدگی به موضوع خواهان را نسبت به شرط استثنای منصوب در درون پارکینگ ملزم ندانست. لورد دنینگ^{۱۸} بیان نمود که شرط چنان گسترده و خطرناک و پر اهمیت بود که لازم بود با رنگ قرمز یا چیزی شبیه آن درج می‌شد.

ج. شرط ورود در توافق طرفین: منظور از این شرط که برگرفته از رویه‌ی قضایی است این است که بررسی شود آیا شرط واقعاً جزئی از قرارداد شده است و به ویژه طرفی که شرط به زیان او درج شده است، آگاهانه و با علم به آثار و عواقب آن، اقدام به پذیرش چنین شرطی کرده است یا خیر (Forlini and MARTINEAU 2003: 6). اگر قرارداد محتوی شرط، حاوی امضای طرف باشد اصولاً باید نظر به ملحق بودن شرط به قرارداد و عدم امکان استناد به بی‌اعتباری آن داد. در مورد اسنادی مثل بلیت که عرفاً امضای طرف اخذ نمی‌شود باید دید آیا طرف استناد کننده به شرط گام‌های متعارف و کافی برای آگاه کردن طرف دیگر از وجود و محتوا و آثار چنین شرطی برداشته است یا خیر. حتی اگر شرط کتبی باشد و قبل از انعقاد قرارداد، به طرف ارائه داده شده باشد نمی‌توان گفت اخطار و هشدار متعارف داده شده است. متعارف و متناسب بودن اخطار بسته به ماهیت سند و شرط و همچنین، زمان ارائه‌ی سند به طرف متفاوت است. برای مثال، اگر سندی در دید عرف، صرفاً رسید تلقی شود نیاز به اخطاری جدای از سند، برای مأخوذ دانستن او به شرط وجود دارد. به طور کلی، باید گفت اخطار و هشدار در خصوص وجود چنین شرطی باید متعارف باشد و این امر به دلیل موضوعی بودن، حسب مورد متفاوت است.

به عنوان مثال در پرونده (Pickin v. Hesk) تعدادی خواهان اتومبیل خود را در گاراژ خوانده سپرده بودند. سال‌ها قبل از تحویل اتومبیل‌ها، یک برچسب بزرگ بر روی سقف گاراژ نصب شده بود که بر اساس مندرجات آن، خواننده مسئول خسارات وارده به خودروی سپرده شده به گاراژ نیست. در نتیجه‌ی بی احتیاطی خواننده، گاراژ آتش گرفت و اتومبیل‌ها دچار حریق شدند. دادگاه تجدیدنظر آنتاریو در رسیدگی به موضوع اظهار داشت که چنین برچسبی نمی‌تواند برای رفع مسئولیت از مالک گاراژ کافی باشد، چون اخطار متناسب به مالک اتومبیل‌های سپرده شده داده نشده است.

د. قواعد خاص: علاوه بر موارد ذکر شده در بالا، در قانون و رویه‌ی قضایی کشورهای مورد بحث قواعد خاص دیگری نیز برای محدود کردن آزادی طرفین برای حمایت از طرف ضعیف‌تر به وجود آمده است که بسیاری از آن‌ها جنبه‌ی جزئی دارند. برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- هر شرط تضمینی شفاهی اظهار شده به وسیله‌ی فروشنده - چه در زمان فروش چه قبل از آن - که معارض شروط نوشته باشد لازم الاجرا نیست. ظاهراً دلیل این امر آن است که شروط نوشته بهتر می‌تواند مبین اراده‌ی طرفین باشد.
- وقتی شرط کتبی وجود دارد تنها مطالب نوشته شده در آن لازم الاجرا است.
- گاهی قرارداد حاوی شرط صریحی است و همچنین، دارای مقرره‌ی دیگری است که مطابق آن، هیچ شرط صریح یا ضمنی در قرارداد وجود ندارد. در این صورت، آن بخش از مقرره که شرط تضمینی صریح را حذف می‌کند لازم الاجرا نیست.
- در صورت ایجاد یک شرط تضمینی محدود، می‌توان دوره‌ی زمانی لازم الاجرا بودن شروط تضمینی ضمنی را - با رعایت ضوابط و در حدود خاص - محدود به دوره‌ی زمانی مشخص شده برای شروط محدود کرد (Magnuson Moss Warranty Act, sec. 2308 (B)).

۵. نتیجه‌گیری

علی‌رغم خطر بالای درج شروط عدم یا محدودکننده‌ی مسئولیت برای زیان‌دیدگان،

نظر به اصل آزادی اراده و نقش شروط مزبور در توزیع خطر به ویژه در جهان تجارت و همچنین نقش آن‌ها در کاهش قیمت محصولات و بیمه‌ی بی‌رویه‌ی مسئولیت‌ها و نیز لزوم تشویق تجار به گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری و به کارگیری فناوری جدید، باید اصل اولی را بر پذیرش این‌گونه شروط در حقوق مسئولیت مدنی - به طور کلی - قرارداد. با این وجود در حقوق مسئولیت تولید - به دلایلی که مشروحاً بیان شد - لزوم وضع قواعد حمایتی برای مصرف‌کنندگان به طور جدی احساس می‌شود؛ اما وضع قواعد حمایتی زمانی کارآمد است که تولیدکننده و عرضه‌کننده - و به طور کلی هر مسئول محتمل - نتواند با درج شروط محدودکننده یا معاف‌کننده مسئولیت در قرارداد از حاکمیت این‌گونه قواعد بگریزد. از همین رو وضع محدودیت‌های قانونی در اتکا به شروط استثنای مسئولیت، احساس می‌شود. بر مبنای تئوری مسئولیت محض، مسئول احتمالی نمی‌تواند با پیش‌بینی شروط استثنای مسئولیت، از حاکمیت این دسته از قواعد بگریزد، چرا که اساساً هدف از وضع این تئوری، ایجاد قواعد آمره و غیرقابل تخلف به منظور فراهم کردن حمایت متناسب از مصرف‌کننده متضرر است. هرگاه که نظام عام مسئولیت قراردادی - یا تقصیر - به عنوان مبنای مسئولیت انتخاب شده باشد نیز، به رغم مشروعیت اولیه شروط استثناء، قواعد محدودکننده‌ی بسیاری به وسیله‌ی دادگاه‌ها و قوانین جهت کاربست شروط استثناء وضع شده است.

متأسفانه در کشور ما، قواعد خاص کاملی در مورد شروط استثناء به ویژه در حوزه حقوق مسئولیت تولید وجود ندارد. تنها در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو و نیز قانون تجارت الکترونیکی به عدم اعتبار چنین شروطی اشاره شده است که به جهت قلمرو خاص این قبیل قوانین و وجود اصل عام آزادی قراردادی، نمی‌توان آن را به موارد مشابه گسترش داد. همین موارد نیز بسیار کلی بوده و جزئیات موضوع به خوبی مورد اشاره قرار نگرفته است که جای سو استفاده مسئولان را برای فرار از مسئولیت باز می‌گذارد. در نتیجه به نظر می‌رسد در کشور ما که قاضی ملزم به تبعیت دقیق از قانون بوده و رویه‌ی قضایی متحرک و پویایی وجود ندارد وضع قواعد مقتضی و متناسب برای حمایت کامل از حقوق مصرف‌کننده ضرورت تام دارد. به خصوص، باید اقدام به الحاق ماده‌ای در مورد ممنوعیت و محدودیت شروط استثنای مسئولیت در قانون حمایت از

حقوق مصرف‌کنندگان کرد تا هم قاعده‌ای عام در این خصوص وجود داشته باشد و هم شائبه قراردادی بودن مسئولیت تولیدکننده و توزیع‌کننده‌ی مندرج در این قانون، احتمال تخلف پذیر بودن قواعد آن را به ذهن نیاورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Limitation or Exclusion Clauses

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص مفهوم و انواع شروط استثنا‌کننده مسئولیت ر.ک: Kelleher, Leslie,

"Exclusion Clause in Contract", *Manitoba Law Journal*, Vol. 14, No. 1, 1984.

۳. به دلیل رعایت اختصار در این مقاله منظور از شرط، شرط عدم و محدود‌کننده مسئولیت است.

۴. از آنجا که در حقوق مسئولیت تولید ایران، نظام مسئولیت محض پذیرفته نشده است این بحث در حقوق ایران در حال حاضر، تنها جنبه علمی و نظری دارد.

۵. برای بررسی موضوع در انگلستان ر.ک به: 4: *et seq. Forlini and Martineau*.

۶. با وجود تفاوت مبنای قراردادی و تقصیر از حیث قواعد محدود‌کننده‌ی شروط مستثنی‌کننده از مسئولیت، به جهت ناچیز بودن این تفاوت و رعایت انسجام، هر دوی آن‌ها را یکجا بررسی می‌کنیم و در موارد لزوم توضیحات مورد نیاز آورده خواهد شد. منظور از مبنای قراردادی نیز همان چیزی است که در حقوق مسئولیت تولید با عنوان نقض شرط تضمینی (Breach Of Warranty) مطرح است.

۷. این مشکلات متأسفانه، هنوز در کشور ما مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. با توجه به نظام حقوقی که قضات را مجبور به تبعیت صرف از قوانین می‌کند لاجرم باید حکم به اجرای قواعد سنتی در خصوص موارد بالا داد. قوانین خاص تصویب شده در خصوص موضوع ساکنند. تنها در ماده‌ی ۷ و تبصره‌ی آن از قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو هر شرط خلاف مقررات قانون و ضمانت‌نامه را در برابر مصرف‌کننده باطل می‌داند. همچنین، در قانون تجارت الکترونیکی و در ماده ۴۶ به عدم اعتبار شروط صالب حمایت‌های مصرف‌کنندگان اشاره شده است. همین موارد نیز علاوه بر خاص بودن، فاقد جزئیات لازم است و این امر قابلیت اجرای آن را در نزد دادگاه‌ها و مراجع ذی‌صلاح کاهش می‌دهد. برای نمونه، ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی حکم بر ممنوعیت درج شروط غیرمنصفانه به زیان مصرف‌کننده اشاره شده است اما مصادیق این قبیل شروط مورد اشاره قرار نگرفته است.

۸. برای مطالعه بیشتر ر.ک: اسفندی، جابر، مسئولیت ناشی از تولید: بررسی تطبیقی در حقوق ایالات متحده،

انگلستان و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

۹. For more Information about Rules of Common Law for Restriction of Exemption Elauses See: Treitel, 2003: 216 till 244.

10. Unfair Contract Terms Act
11. Conditions
12. Warranties
13. Intermediate Terms
14. Fundamental Terms
15. Durability
16. Consequential Damages
17. Contra Proferendum Rule
18. Lord Denning

منابع

الف. فارسی

- اسفندی، جابر (۱۳۹۰)، مسئولیت ناشی از تولید: بررسی تطبیقی در حقوق ایالات متحده، انگلستان و ایران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
- جعفری تبار (۱۳۷۵)، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران: انتشارات دادگستر.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۷)، حقوق مدنی، الزام و مسئولیت‌های مدنی بدون قرارداد، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب. لاتین

- Chanter v. Hopkins (1838), 4M. & W. 399.
- Code Civile (1998), En Vigueur Depuis Le 21 Mai, (Francais).
- Consumer Protection Act** (1987), (UK).
- Dechaine, Dean D (1967), "Products Liability and The Disclaimer", **Willamette Law Journal**, Vol. 4.
- EU Directive on Liability for Defective Products** (1985), Last Revised 1999.
- Forlini, Enrico and Martineau, Fasken (2003), "Clauses Limiting or Excluding a Manufacturer's or Seller's Liability: Their Validity and Applicability Under the Quebec Civil Code and

The Consumer Protection Act". Available at:http://www.fasken.com/files/publication/74c515ce-aa05-4497-83d9-0727c77e56c8/presentation/publicationAttachment/bf626c4b-1827-4196-bcf2-32b1e6517054/CLAUSES_LIMITING_OR_EXCLUDING_A_MANUFACTURER_S_OR_SELLER_S_LIABILITY.PDF.

- Garner, Bryan A. (editor in chief) (2004), **Black's Law Dictionary**, West Publishing Limited, Eighth Edition.
- Greenman v. Yuba Power Products, Inc. (1962), 27 Cal. Rptr. 697, 377 P.2d 897.
- Harbutt's Plasticine Ltd v. Wayne Tank and Pump Co Ltd. (1970) 1 QB 447; [1970] 1 All ER 225.
- Kelleher, Leslie (1984), "Exclusion Clause in Contract", **Manitoba Law Journal**, Vol. 14, No. 1.
- Magnuson Moss Warranty Act** (1985), (USA).
- Pickin v. Hesk. 1195414 D.L.R. (2d) 90 (Ont. C.A.).
- Regus (UK) Ltd v Epcot Solutions Ltd [2008] EWCA Civ 361.
- Restatement Third of Tort on Product Liability, 2007, (USA).
- Sale of Goods Act** (1979), (UK).
- Smith v Eric Bush [1989] 2 All ER 514.
- Stenson, Mike (1998), "A Comparative Analysis of Minnesota Products Liability Law and the Restatement Third of Torts: Products Liability", **William Mitchell Law Review**, Vol. 24.
- Stone, Richard (2002), **The Modern Law of Contract**, Cavendish Publishing Limited, Fifth Edition.
- Thornton v. Shoe Lane Parking (1971), 1 All ER 686.
- Trade Practices Act**, 1974, Last Modified, (Australia).
- Treitel, Sir (2003) **Guenter, The Law of Contract**, Thomson Sweet & Maxwell Limited, Eleventh Editio.
- Unfair Contract Terms Act** (1977), (UK).
- Uniform Commercial Code**, {UCC} (1999), Last Modified 2011, (USA).
- Utah Code**, (USA).